

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۳۰

سبک‌شناسی قصائد انوری ابیوردی

(ص ۱۰۵-۸۵)

فریبا قره داغی کراهه (نویسنده مسئول)^۱، حسین خسروی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۱

چکیده

انوری ابیوردی از بزرگترین شاعران ایران در قرن ششم هجری است. سده‌ای که قالب قصیده، درنیمه اول آن، قالب رایج و مسلط شعر فارسی بود. آنچه مسلم است، این است که عرصه هنرورزی این شاعر فحل، قصیده و بویژه قصیده مدحی است. در این مقاله کوشش شده است برای شناخت زوایای پنهان ذهن و دل شاعر و همچنین کشف بخشی از حقایق مربوط به تاریخ و فرهنگ ایران به بررسی ویژگیهای سبکی و برجستگیهای قصاید وی درسه سطح زبانی، ادبی و فکری پرداخته شود. مطالعه و بررسی این ویژگیها نشان میدهد که انوری اشعار خویش را درچهل و دو وزن سروده است. بیشترین بسامد اوزان متعلق به بحر رمل و کمترین آن مربوط به بحر سریع است. در قوافی اشعار بیشترحروف «ر» و «ن» در جایگاه روی قرار دارند. تقریباً سی و شش درصد قصاید دیوان وی دارای ردیفند که ردیف با افعال ربطی بسامد بالاتری دارد. تخفیف کلمات، تکرار و موازنه از ویژگیهای بارز زبان قصاید او هستند. انوری اغلب از ترکیبات و لغات عربی رایج در اشعار خویش استفاده کرده است. کاربرد اعداد، کاربرد «اندر» بجای «در» و آغاز ابیات با حروف اضافه در اشعار وی بسامد بالایی دارند. تشبیه درقصاید او بیشترین بسامد و مجاز کمترین بسامد را دارا هستند. آرایه‌های پر کاربرد قصاید انوری عبارتند از: اغراق، مراعات نظیر، تضاد، موازنه، جناس، تلمیح و ...

کلمات کلیدی: انوری ابیوردی، سبک‌شناسی، قصاید، موسیقی، زبان، صنایع ادبی.

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد f.gharehdaghi7039@gmail.com

۲- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

مقدمه

اوحالدین علی بن محمد انوری از قصیده سرایان بزرگ نیمه دوم قرن ششم، در ناحیه ابیورد، شهری میان سرخس و نساء، متولد شده است. خود او در این باره میگوید:
دی ز خاک خاوران چون ذره مجهول آمده گشته امروز اندرو چون آفتاب خاوری
(دیوان، ج ۱: ۴۷۴)

«انوری دردوران جوانی در عرصه شعر و ادب مهارت خاصی داشته است. گویا در همه زمینه‌ها بویژه دانش نجوم پیشرفت کرده و در بین معاصران خود شهرتی کسب نموده است.» (تاریخ ادبیات فارسی، ۱۱۱). وی درباره تبحر خویش در علوم رایج عصر خود چنین سروده است:

منطق و موسیقی و هیئت بدانم اندکی	راستی باید بگویم با نصیبی وافرم
در الهی آنکه تصدیقش کند عقل صریح	گر تو تصدیقش کنی بر شرح و بسطش ماهرم
وز ریاضی مشکلی چندم به خلوت حل شده است	و اندران جز واهب توفیق کس نه ناصرم
از طبیعی رمز چند ار چند بی تشویق نیست	کشف دانم کرد اگر حاسد نباشد ناظرم
نیستم بیگانه از اعمال و احکام نجوم	در بیان او به غایت اوستاد و ماهرم

(همان، ج ۲: ۶۸۶)

انوری بواسطه آگاهی و احاطه بر فنون ادبی و همچنین بهره‌گیری از دانشهای مختلف، مضامین گوناگونی را در اشعار خویش آورده است. او در آغاز شاعری در اشعار خویش «خاوری» تخلص میکرده؛ اما در دوره کمال شعری این تخلص به «انوری» تغییر داده شد. همچنین گفته‌اند: «او با اشاره استادش، عماره، تخلص خود را به انوری تغییر داده است.» (مجالس المؤمنین، ۶۲۲). زندگی انوری در عهد سنجر به ستایشگری آن پادشاه و بعد از مرگ او در مدح امرا و رجال و هجرت در بلاد مختلف گذشت. هر چند در سال درگذشت این گوینده بزرگ مانند سال تولدش اختلاف نظر بسیار است؛ اما از میان سالهایی که برای وفاتش گفته شده است، سال ۵۸۳ هجری دقیق بنظر میرسد.

اوحالدین ازارکان شعر فارسی شمرده میشود. اشعار او از بهترین شاهکارهای ادب پارسی به حساب می‌آیند. دیوان این شاعر خراسانی شامل ۱۴۷۰۰ بیت مشتمل بر قصاید، غزلیات، قطعات و رباعیات است. به باورش فیعی کدکنی «کسانی که انوری را یکی از سه پیامبر شعر و شاعری شناخته‌اند، تکیه و تأکیدشان بر قصاید او بوده است؛ زیرا بر اساس معیارهای تاریخی عصر وی، اهمیت انوری در قصایدش بوده است.» (مفلس کیمیا فروش، ۳۹)؛ لذا از این حیث توجه به قصاید وی بسیار قابل تأمل است. در این نوشتار از میان قالبهای شعری دیوان او، به امتیازات سبکی قصاید وی توجه شده و مسائل زبانی، هنری و فکری قصاید وی مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق و ضرورت انجام آن

دربارۀ سبک قصاید انوری، پژوهشی که به طور دقیق و متمرکز پیشینه‌ای برای این موضوع یعنی «سبک‌شناسی قصاید انوری» بحساب آید، تاکنون انجام نشده است؛ اما آثاری را میتوان نام برد که هرکدام تنها به بخشی از موضوع پرداخته‌اند. از جمله در باب سبک، کتابهای سبک‌شناسی شعر دکتر سیروس شمیسا و دکتر محمد غلامرضایی را میتوان نام برد و در باب قصاید انوری، کتاب مفلس کیمیا فروش نوشته محمد رضا شفیعی کدکنی است که به نقد و تحلیل شعر انوری پرداخته است. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع (سبک شناسی) که همواره یکی از مهمترین و مفیدترین راههای شناسایی شاعران محسوب میشود، در این رهیافت از زوایای مختلف به شعر و سبک وی نگریسته شده است.

بحث و بررسی

الف- ویژگیهای زبانی

الف-۱- سطح آوایی یا سبک‌شناسی آواها

الف -۱-۱- موسیقی بیرونی: موسیقی بیرونی یا وزن مهمترین عامل در ساختمان شعر است؛ چرا که هم به وجهی ایجاد تخیل میکند و هم عواطف را برمی‌انگیزد و از سویی کلیت شعر را نظام میبخشد. بررسی این جنبه از موسیقی شعر در قصاید انوری نشان میدهد که شاعر خراسانی در ۲۰۵ قصیده از ۴۲ وزن بهره برده است. بیشترین بسامد اوزان قصاید وی، با ۶۱ مورد متعلق به بحر رمل است و کمترین آن مربوط به بحر سریع است که تنها یکبار از آن استفاده شده است.

جدول شماره ۱- بحرهای بکاررفته در قصاید (بدون زحافات)

ردیف	نام بحر	بسامد	درصد
۱	رمل	۶۱	۲۹/۷۶
۲	خفیف	۴۱	۲۰
۳	هزج	۳۱	۱۵/۱۲
۴	مضارع	۳۰	۱۴/۶۳
۵	مجتث	۲۸	۱۳/۶۵
۶	مقارِب	۶	۲/۹۳
۷	قریب	۴	۱/۹۵
۸	منسرح	۳	۱/۴۷
۹	سریع	۱	۰/۴۹
	مجموع	۲۰۵	۱۰۰

الف-۱-۲- موسیقی کناری

الف-۱-۲-۱- قافیه

قافیه ضروریترین عنصر موسیقی کناری شعر است که در ایجاد موسیقی شعر و تکمیل وزن و آهنگ آن بسیار مؤثر است. اگرچه برخی قافیه را عنصر طفیلی در موسیقی شعر شمرده‌اند؛ اما حقیقت امر این است که «قافیه نوعی زمینه‌سازی برای القای موسیقی شعر در ذهن آدمی است.» (پیوند موسیقی و شعر: ص ۸۳)؛ بعبارت دیگر قافیه موجب تکمیل آهنگ و موسیقی شعر میشود و به زیبایی آن می‌افزاید؛ بویژه زمانی که تعداد کلمات و حروف مشترک آن، بیشتر باشد. در جدول زیر برای آگاهی از میزان قدرت و هنر شاعر در کاربرد قافیه، انواع هجاهای قافیه در قصاید نشان داده شده است:

جدول شماره ۲- انواع هجاهای قافیه در قصاید

ردیف	نوع هجا	فراوانی	درصد
۱	صامت + مصوت بلند + صامت	۱۲۶	۶۱/۴۶
۲	صامت + مصوت کوتاه + صامت	۵۵	۲۶/۸۳
۳	صامت + مصوت بلند	۱۷	۸/۳۰
۴	صامت + مصوت کوتاه + دو صامت	۵	۲/۴۴
۵	صامت + مصوت بلند + دو صامت	۲	۰/۹۶

جدول انواع هجاهای قافیه حاکی از این است که هجای «صامت + مصوت بلند + صامت» بالاترین و «صامت + مصوت بلند + دو صامت» کمترین بسامد را در قافیه‌های شاعر دارد. انوری در قصاید خود ۷۰/۷۲ درصد از قافیه‌هایی بهره جسته است که دارای مصوت بلندند؛ اگرچه بطور طبیعی تعداد مصوتهای بلند کلمات در زبان فارسی کمتر از مصوتهای کوتاه است؛ اما از نظر موسیقایی، از عوامل اصلی ایجاد موسیقی و آهنگ در شعر محسوب میشوند؛ بنابراین اگر بخواهیم قافیه‌های انوری را از نظر ارزش موسیقایی بررسی کنیم، می‌بینیم که قافیه‌های این شاعر، خوش آهنگ و از ارزش آوایی قابل توجهی برخوردار است.

از مجموع ۲۰۵ قصیده، ۶۲ قصیده؛ یعنی ۳۰/۲۴ درصد با رَوی «ر» و ۳۷ قصیده یعنی ۱۸/۰۴ درصد با رَوی «ن» سروده شده است که این قافیه‌ها بیشترین بسامد را در میان قافیه‌های قصاید انوری داراست. واکاوی واژه‌های قافیه نشان میدهد که انوری چندان به جستجوی قافیه‌های دشوار نبوده است. او در اشعار خویش چهار بار حدود دو درصد از ذوقافیتین برای موزونیت بیشتر ابیات خود بهره برده است:

و نیز در ابتدای واژه‌ها، صامت همزه، حذف و کلمه کوتاه‌تر شده است:
بدخواه تو چون کرم بریشم کفن خویش از دوک زبان بر سر و بر پای تنیده
(ق ۱۷۹، ب ۲۲)

و گاهی تخفیف کلمات با حذف مصوت بلند صورت گرفته است:
پیروز شه عادل منصور معظم کز عدل بنا کرد دگر باره جهان را
(ق ۵، ب ۱۹)

تکرار واژه، مصرع و بیت

یکی از ویژگیهای برجسته قصاید انوری در بخش موسیقی درونی، تکرار بویژه تکرار ابیات است که اغلب در یک وزن و قافیه سروده شده‌اند.

تکرار واژه:

وانگهی زر بدهی کارچو زر، خوب کنم بیش چون زر نکنم در طلب زر، رخسار
(ق ۷۱، ب ۶۰)
چو بیشه بیشه درو درزهای خار و خسک چو پاره پاره درو خامهای ریگ روان
(ق ۱۳۹، ب ۸)

تکرار مصرع:

بنده زین سقطة چو آتش تیز بر سر آتش است بیگه و گاه
(ق ۱۶۷، ب ۲۷)
بنده از شوق خاک درگه تو بر سر آتش است بیگه و گاه
(ق ۱۶۸، ب ۲۸)

تکرار بیت:

تبارک الله از آن آب سیر آتش فعل که با رکاب تو خاکست و با عنانت هوا
(ق ۷، ب ۲۲)
تبارک الله از آن آب سیر آتش فعل که با رکاب تو خاکست و با عنانت هوا
(ق ۱۸، ب ۵۲)

موازنه

فکرت همچون فلک دایم سبک دارد عنان صولت همچون زمین دایم گران دارد رکاب
(ق ۱۱، ب ۳)
نه پیش آید نفاذت را توقف نه دریابد دوامت را تناهی
(ق ۲۰۱، ب ۱۲)

الف - ۲- سطح واژگانی یا سبک‌شناسی واژه‌ها

الف - ۲-۱- کاربرد لغات و ترکیبات عربی

نفوذ زبان عربی در زبان فارسی و کاربرد آن در آثار نویسندگان و شاعران در دهه‌های پایانی حکومت سلجوقی روز بروز در حال افزایش بود. «شاعران فارسی زبان به سبب رواج زبان و ادبیات عرب در مناطق مهم ایران، به شاعران عرب به عنوان سخنوران ایده‌آلی نگاه میکردند و سروده‌های آنان را بهترین نمونه تلقی میکردند.» (تأثیر فرهنگ عرب در اشعار منوچهری دامغانی، ص ۲۸).

شاعری دانی کدامین قوم کردند، آن که بود
ابتداشان امرء القیس، انتهاشان بوفراس
(ق ۱۰۲، ب ۲۱)

انوری از زمره این شاعران است که فرهنگ و ادب عربی در اشعار او بازتاب قابل توجهی دارد. وی اغلب از لغات رایج و پرکاربرد زبان فارسی بهره گرفته است، لغاتی که رنگ و بوی فارسی بخود گرفته و تقریباً برای همه فارسی زبانان قابل فهم است.

جز جمال‌الدین خطیب ری که برخواند از نبی
مسلمات مؤمنات قانتات تابیبات
(ق ۱۶، ب ۲۹)

بخت بیدار تو حیّ لاینام
ملک تأیید تو ملک لایزال
(ق ۱۱۴، ب ۴)

چه روی راه تردّد؟ قضی الامرفقم
چه کنی نقش تخیل؟ بلغ السیل زبانه
(ق ۱۶۵، ب ۵)

الف - ۲-۲- کاربرد اعداد و استفاده از آنها در ترکیب‌سازی

این ویژگی که در اشعار انوری نمود بسیاری دارد، حدود سیزده درصد از قصاید وی را دربرمیگیرد:

به صد قرآن بنزاید یکی نتیجه چو تو
ز امتزاج چهار امّهات و هفت آبا
(ق ۷، ب ۲۰)

هزار جان لب لعلش نهاده بر آتش
هزار دل سر زلفش کشیده در زنجیر
(ق ۹۷، ب ۲)

دو جهان گیر و دو کشور ده و اقلیم ستان
نه به یک ملک به صد ملک جهان ارزانی
(ق ۱۹۴، ب ۴)

الف - ۳- سطح دستوری یا سبک‌شناسی جمله‌ها

الف - ۳-۱- ساختمان جملات

از بررسی ساختمان جملات در قصاید میتوان اینگونه نتیجه گرفت که پنجاه و یک درصد از جمله‌های مورد استفاده انوری مرکب و چهل و نه درصد آن بصورت ساده بکار رفته است.

نمونه‌هایی از جملات مرکب:

از غایت تری که هوا راست عجب نیست	گر خاصیت ابر دهد طبع دخان را (ق ۵، ب ۱۴)
گر دل و دست بحر و کان باشد	دل و دست خدایگان باشد (ق ۶۰، ب ۱)
چو اندر موکب عالی نرفتی	مرو راهی است پر ترکان خون خور (ق ۸۸، ب ۲۹)

نمونه‌هایی از جملات ساده:

ملکا مملکت به کام تو باد	ملک هم نام تو به نام تو باد (ق ۱۱۵، ب ۱)
سفر مربی مردست و آستانه جاه	سفر خزانه مالست و اوستاد هنر (ق ۸۴، ب ۱۳)

الف - ۳-۲ - زمان و وجه افعال

بررسی زمان افعال در قصاید انوری نشان میدهد که غلبه زمان افعال با فعل مضارع اخباری است که بیش از نیمی از زمانها را به خود اختصاص داده است. بیشترین بسامد در زمان افعال به ترتیب از آن مضارع اخباری (حدود ۵۴ درصد)، ماضی ساده (حدود ۲۱ درصد)، ماضی نقلی (حدود ۸ درصد) و دیگر زمانها (حدود ۱۵ درصد) است.

نمونه‌هایی از زمان اخباری:

بلبل ز نوا هیچ همی کم نزند دم	زان حال همی کم نشود سرو نوان را (ق ۵، ب ۶)
نمیدمد به مشام نسیم سنبل عدل	نمیدهد به دماغم بخار عنبر جود (ق ۶۵، ب ۷)
گاهم از عشوه‌گری میخوانی	گاهم از طییره‌گری میرانی (ق ۱۹۵، ب ۶)

وجه افعال در قصاید انوری بدین صورت است: وجه خبری حدود ۷۶ درصد، وجه التزامی حدود ۱۸ درصد و وجه امری حدود ۶ درصد. فراوانی وجه خبری نیز مانند زمان اخباری «بر ویژگیها، افتخارات و صفات برجسته و نهادینه ممدوح به شکل قطعی دلالت مینماید.» (بررسی مختصات دستگاه زبانی قصیده‌ای از انوری، ص ۴۳).

الف - ۳-۳ - آغاز ابیات با حروف اضافه

از دیگر ویژگیهای زبان انوری که بطور برجسته‌ای در اشعار او نمود دارد، آغاز ابیات با حروف اضافه است. قصاید انوری که در مجموع ۷۳۲۳ بیت دارد، ۱۶۴۸ بیت آن با حروف اضافه آغاز شده است؛ یعنی ۲۲ درصد نزدیک به یک چهارم ابیات. از میان حروف بکاررفته در آغاز ابیات حرف اضافه «ز» یا «از» با حدود ۲۸ درصد و حرف اضافه «در» با حدود ۲۳ درصد بالاترین میزان کاربرد را بخود اختصاص داده‌اند:

ز نیکو گفت حالش بی نیاز است	کسی را کآسمان نیکو سگال است (ق ۳۲، ب ۲۰)
بر آستانه قدرت قضا نیارد گفت	که جست باد گمان یا نشست گرد ضمیر (ق ۹۵، ب ۹)
جز بر تو ثنا و مدح گفتن	باشد چو تیمم و لب یم (ق ۱۳۳، ب ۱۷)
در حمله درنده‌ای و دوزنده	صف می ردی و جگر همی دوزی (ق ۱۹۲، ب ۵)

ب- ویژگیهای ادبی

ب-۱- بیان

ب-۱-۱- تشبیه

تشبیه برجسته‌ترین صور خیال در قصاید انوری است. «تشبیه هسته اصلی و مرکزی اغلب خیالهای شاعرانه است. صورتهای گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه، مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیا کشف میکند و در صور مختلف به بیان در می‌آورد.» (سفر در مه، ص ۲۱۴).

بررسی این شکل مهم خیالی در قصاید انوری نشان میدهد که او چندان مبدع تشبیهات نو و بدیع نیست و از همان تصاویر شاعران قرن چهارم و پنجم بهره جسته است. این شاعر تصویرگرا در اشعار خود مجموعاً ۲۴۵۸؛ یعنی ۳۳/۵۷ درصد تشبیه به کار برده است. از این تعداد، ۱۵۹۷ تشبیه؛ یعنی ۶۴/۹۷ درصد، تشبیهات حسی به حسی است. خصوصاً تشبیهاتی که مشبه به آنها حسی است، دارای بسامد بالایی هستند و مجموعاً ۸۷/۲۴ درصد از مشبه‌به‌های او را تشکیل میدهند که نمونه‌هایی از آن آورده میشود:

رخساره چو گلستان خندان	زلفین چو زنگیان لاعب (ق ۱۵، ب ۱۶)
------------------------	--------------------------------------

نالۀ حاسدت چو نالۀ زیر
(ق ۹۳، ب ۲۵)

رشک فزاید نگارخانۀ چین را
(ق ۶، ب ۳۲)

هست مانند صور اسرافیل
(ق ۱۱۹، ب ۲۶)

سال عمرت همچو دور چرخ بیرون از حساب
(ق ۱۱، ب ۲۸)

قدحی از شبه و مرجان است
(ق ۳۴، ب ۴)

نالۀ چون زیر رباب و دل برآتش چو کباب
(ق ۱۲، ب ۱۰)

به نکویی چو نگارستان است
(ق ۳۴، ب ۱۲)

امن تو صیقلی است فتنه زدای
(ق ۱۸۲، ب ۱۸)

پیوسته بی قرار چو سیماب و اخگر
(ق ۱۲۷، ب ۱۳)

در قبضۀ شمشیر نشاندی دبران را
(ق ۵، ب ۲۵)

قامت دشمنت چو قامت چنگ

انواع تشبیه

تشبیه عقلی به حسی:

باغ وجود از بهار عدل تو چنانک

تشبیه حسی به عقلی:

کشتۀ دهرم و صریر قلمت

تشبیه عقلی به عقلی:

عرض پاکت همچو ذات عقل ایمن از فساد

تشبیه مرکب به مرکب:

لاله برشاخ زتورد به مثل

تشبیه مفرد به مرکب:

بود اشکم چون شراب لعل در رزین قدح

تشبیه مرکب به مفرد:

چهرۀ باغ ز نقّاش بهار

تشبیه مفروق:

باس تو آتشی است حادثه سوز

تشبیه جمع:

از روشنان شب که چو سیماب و اخگرند

تشبیه مشروط:

گر ثور چو عقرب نشدی ناقص و بی چشم

تشبیه ملفوف:

نه صاحبی ملکی کز ممالک شرفش
کمینه گلشن و گلخن چو جنت است وجحیم
(ق ۱۳۸، ب ۸)

تشبیه تسویه:

تا طلوع آفتاب طلعت تو کی بود
یک جهان جان بود و دل همچون قصب در ماهتاب
(ق ۱۲، ب ۱۱)

تشبیه مقلوب:

پشته چون هامون کند هامون چون پشته
پیویه و جولان ز رخس راهوارت
(ق ۱۷، ب ۳۳)

ب-۱-۲- استعاره

یکی دیگر از تصاویر خیال که در اشعار انوری نمود بیشتری دارد، استعاره است. او در قصاید خود مجموعاً ۲۳۹۱ مورد حدود ۳۲/۶۵ درصد استعاره بکار برده است:

درغمره‌های نرگس او بی شمار سحر
درشاخه‌های سنبل او بی قیاس تاب
(ق ۱۳، ب ۱۵)

چون بجنبانی عنان صرصر گه پیکرت
بانگ شب خوش بادِ جان برخیزد ازهرپیکری
(ق ۱۸۸، ب ۳۸)

گاهی در یک مصراع چهار استعاره ارائه میشود و یک بیت بستر هشت تصویر میگردد:

بر ماه مشک داری و برسرو بوستان
در لاله نوش داری و در عنبر آفتاب
(ق ۹، ب ۵)

انوری بیشتر از استعاره مصرحه مرشحه استفاده میکند.

لعل تو درخنده شد رشته پروین گسست
جزع تو سرمست گشت ساغر عبرت شکست
(ق ۳۸، ب ۴)

هرچه در شاخ هنر باغ سخن طوطی داشت
همه را داعیه بر تو دردام گرفت
(ق ۴۰، ب ۲۲)

از میان انواع استعاره، «تشخیص» در قصاید انوری برجستگی خاصی دارد. «در اکثر استعاره‌های وی افعال و اعمال و خصوصیات و عواطف انسانی و نیز گاهی موجودات جاندار دیگر، به عناصر و موجودات بیجان طبیعی و مفاهیم ذهنی نسبت داده شده است که فضای شعر او را پرشور و نشاط و حرکت کرده است که درعالم خارج وجود ندارد.» (برگه‌هایی در آغوش باد، ص ۵۲۶).

سیمرغ صبح را ندهد مزده صبح
تا نام تو نبندد بر شهپر آفتاب
(ق ۹، ب ۲۸)

دست زوال تا ابد از بهر چون تو بار
در بیخ این درخت نخواهد زدن تبر
(ق ۸۳، ب ۴۷)

امل چون صبح شمشیرت برآید
بدرّد جامه چون صبح از پگاهی
(ق ۲۰۱، ب ۱۸)

ب-۱-۳- کنایه

کنایه یکی از عناصر مهم در شعر انوری است که بسامد بالای آن نشان از وسعت آگاهی شاعر دارد، او توانسته است با کاربرد وسیع انواع کنایه در اشعار خویش به آفرینش و القاء معانی و مفاهیم تازه بپردازد. در بررسی قصاید این شاعر، ۱۷۹۴ کنایه استخراج شد که از این تعداد و درصد (۲۴/۹۹)، ۱۴۰۷ کنایه حدود ۷۸ درصد را کنایهٔ مصدر یا فعل که رایجترین نوع کنایه است، تشکیل میدهد:

چو نفس نامیه جمعی ز لشکرش را دید
که پشت پای زدند از گزاف تقوی را
(ق ۱، ب ۱)

حاسدت را چو پای درگل ماند
از غم و رنج دست برهم باد
(ق ۴۶، ب ۳۸)

رغبتش رغم کان و دریا را
چار تکبیر کرده و سه طلاق
(ق ۱۰۶، ب ۳۴)

صاعد و هابط گردونش ببوسند رکاب
اشهب و ادهم گیتیش بخایند لگام
(ق ۱۲۶، ب ۵)

لازم به ذکر است که بیشتر کنایات انوری به لحاظ وضوح و خفا از گونهٔ ایماست؛ یعنی حدود بیست و هفت درصد که دیگر انواع درمقایسه با آن بسیار اندک میباشند.

ساقی همّتش از جام کرم جرعه بریخت
آز دستارکشان راه در و بام گرفت
(ق ۴۰، ب ۶)

کشتیی برخشک میران زانکه ساحل دور نیست
گو مباحثت پیرهن، دامن نگهدار از تری
(ق ۱۸۴، ب ۳۸)

ب-۱-۱-۴- مجاز

از میان شکل‌های خیالی، آنچه که کمترین بسامد را در قصاید دارد، مجاز است. این صور خیال ۱۱۱۳ بار؛ یعنی حدود ۱۵/۲۰ درصد در اشعار انوری بکار رفته است. از بین اقسام مجاز به اعتبار علاقه، مجاز به علاقهٔ لازمی با ۲۱/۲۷ درصد و پس از آن مجاز به علاقهٔ جزئی با ۱۲/۶۷ درصد بالاترین درصد کاربرد را در میان مجازهای بکار رفته در قصاید انوری بخود اختصاص داده‌اند. مجاز به علاقهٔ قوم و خویشی در اشعار این شاعر کاربردی نداشته است.

باشد که بینم از رخ نسرین او نشان	باشد که یابم از لب نوشین او جواب (ق ۱۳، ب ۴)
همه بستر زاشک من رنگین	همه کـشور ز آه من بیدار (ق ۷۹، ب ۴)
همان کند به عدو تیغ تو که با مه چرخ	به یک اشارت انگشت کرد پیغمبر (ق ۸۰، ب ۴۲)

ب-۲- بدیع

ب-۲-۱- اغراق و غلو: از آرایه‌های مورد تأکید انوری است که در قصاید وی بوفور دیده میشود:	جهان به طبع گراید به خدمت تو که تو وجود خوف و رجا فرع خشم و حلم تواند
به ذات کلّ جهانی و کلّ او اجزا است که خشم و حلم توصل مزاج خوف و رجا است (ق ۱۸، ب ۴۷)	حسام قهر تو شخص اجل زند به دو نیم (ق ۸۴، ب ۴۲)

ب-۲-۲- مراعات نظیر: این آرایه نقش بسزایی در زیبایی و گیرایی سخن دارد؛ بگونه‌ای که خواننده با شنیدن آن و درک پیوند میان اجزای متناسب، احساس لذت مینماید. این ابزار در قصاید انوری فراوان دیده میشود، شاعر خراسانی در اشعار خویش ۳۲۶۱ بار؛ یعنی ۴۴/۵۳ درصد از آن استفاده کرده است:

بس که بر سیمرغ و رستم بذله گفتی	گر بدیدی در مصاف اسفندیارت (ق ۱۷، ب ۳۴)
وجود عناصر اربعه (خاک، باد، آب و آتش) در برخی از ابیات انوری نمونه‌هایی از مراعات نظیرند:	تا نباشد آب و آتش نیکخواه یکدگر همچو آب و آتش خواهیم بقای سرمدی (ق ۷۸، ب ۲۲ و ۲۳)

ب-۲-۳- تضاد: انوری از زمره ادیبانی است که استفاده از این آرایه مقبول او بوده؛ تا بدانجاکه ۱۴۴۲ بار؛ یعنی ۱۹/۶۹ درصد از این آرایه معنوی بهره برده است. او گاه پنج مطابقه (ده کلمه) را بصورت فشرده در یک بیت آورده:

هست مضمّر گویی اندر طاعت و عصیان تو	نام و ننگ و خیر و شر و لطف و قهر و فخر و عار (ق ۷۰، ب ۳۰)
-------------------------------------	--

وجود خوف و رجا فرع خشم و حلم تواند
 که خشم و حلم تو اصل مزاج خوف و رجاست
 (ق ۱۸، ب ۴۷)

ب-۲-۴- موازنه یا مماثله: یکی دیگر از آرایه‌هایی که از جنبه کاربرد و هنرنماییهای شاعرانه در قصاید انوری حائز اهمیت میباشد، موازنه است. این صنعت لفظی و التزام به رعایت آن توسط شاعر خراسانی، زیبایی خاصی را به اشعار او بخشیده است و در اشعار وی جایگاه مهمی دارد؛ بطوریکه بیش از یک پنجم قصاید او را در بر گرفته است. بسامد و کاربرد ۱۳۳۷ موردی (۱۸/۲۵ درصدی) موازنه، نشان دهنده مهارت و تسلط شاعر در انتخاب الفاظ و ایجاد توازن و تناسب در ابیات قصاید اوست:

عرصه صحن تو بهشت هوا ذروه سقف تو سپهر عیار
 (ق ۷۶، ب ۲)
 صدر تو به پایه تخت جمشید خنگ تو به سایه رخسار رستم
 (ق ۱۳۲، ب ۸)

ب-۲-۵- جناس: از بررسی قصاید انوری درمیابیم که انوری در مجموع ۱۱۵۰ جناس؛ یعنی ۱۵/۷۰ درصد را در اشعار خویش بکار برده است. او از انواع جناس به استثناء جناس لفظ در شعر خویش بهره گرفته است:

به یسار تو یمین خورد فلک، گفت مترس به یمین تو دهم هرچه مرا هست یسار
 (ق ۶۸، ب ۴۶)
 ای تو را طرف چرخ طرف ستام وی تو را مهر چرخ مهر نگین
 (ق ۱۵۰، ب ۳۳)
 به پیش قدر تو گردون بود به پایه نژند به جنب طبع تو دریا بود چو عشر عشیر
 (ق ۹۸، ب ۱۹)

ب-۲-۶- تلمیح: کمتر قصیده‌ای را در دیوان وی میتوان یافت که به این آرایه مزین نباشد:
 آن که در معرکه سحر بیان قلمش همچو عصا ثعبان است
 (ق ۳۴، ب ۲۱)

مصرع اول اشاره به حدیث «إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا». (فیض القدير، ج ۲: ص ۵۲۴).
 مصرع دوم تلمیحی است به معجزه حضرت موسی (ع) که عصای او ازدهایی شد: «فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ» (اعراف/ ۱۰۶).

نسیم لطف تو با خاک اگر سخن گوید حیات و نطق پذیرد ازو عظام رمیم
 (ق ۱۳۸، ب ۱۹)

تلمیحی است قرآنی: «وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ». (یس/۷۸).
بسته دست خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ بأَسْ أَوْ بَرَّ خَلْقَتَهُ مِنْ طِينٍ

(ق ۱۴۷، ب ۱۰)

تلمیح به آیه «قَالَ مَا مَنَعَكَ أَنْ لَا تَسْجُدَ إِذْ أُمِرْتَ كَقَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ». (اعراف/۱۲).

گردون چو تاج کسری بر معجزات حسن وز درّ و لعل چتر سکندر برو نشان

(ق ۱۴۱، ب ۶)

ب-۲-۷- حسن تعلیل: از پرکاربردترین عنصر اشعار شاعرخراسانی است که به نسبت کل ابیات قصاید (۷۳۲۳ بیت)، میتوان گفت؛ هر ۲۱ بیت قصیده دارای یک صنعت حسن تعلیل است:

برعزم آن که ریزد خون عدوی تو هر روز بامداد کشد خنجر آفتاب

(ق ۹، ب ۲۶)

شاعر در قصیده‌ای در مدح سلطان سنجر ادعا میکند که شرط پایداری آب و آتش، اقبال ممدوح است:

کی شدندی آب و آتش درجهان هریک پدید گرنگشتی باد اقبالش درین خاک آشکار
از وجود جود و آب و آتش اقبال اوست باد را پاکیزگی و خاک را پُر دُر کنار

(ق ۷۸، ب ۱۷ و ۱۸)

ب-۲-۸- رد العجز علی الصدر

عصاست پایم و در شرط آفرینش خلق شنیده‌ای که کسی را به جای پای عصاست

(ق ۱۸، ب ۲۰)

ماتم سنجر اگر قتل ملکشه تازه کرد ای ملکشاه معظم سورآن ماتم تویی

(ق ۲۰۵، ب ۳)

ب-۲-۹- ارسال المثل یا تمثیل: از دیگر صنایع مورد توجه انوری، ارسال المثل یا تمثیل است. شعر وی از این نظر بسیار غنی است؛ زیرا بسیاری از گفتارهای او را میبینیم که جنبه حکمی دارند و حالت مثل یا نزدیک به مثل پیدا کرده‌اند:

همی چه گفتم؟ گفتم که زیره و کرمان همی چه گفتم؟ گفتم که بصره و خرما

(ق ۷، ب ۳۷)

باش تا صبح دولتت بدمدم کاین هنوز از نتایج سحرست

(ق ۲۶، ب ۳)

گر نیرزد سخنم زحمت من ور آرزد هم بخر، نوش برنیش بود گل برخار
(ق ۶۸، ب ۵۹)

ج- ویژگیهای فکری

ج-۱- موضوعات و مضامین قصاید

از مجموع ۲۰۵ قصیده دیوان انوری ۱۸۸ قصیده در مدح وستایش امیران و بزرگان معاصر انوری سروده شده و ۷ قصیده نیز در توصیف بروج و نیز تعریف و تمجید از قصر و عمارت و یا اسب ممدوح است که سرانجام آن نیز با مدح صاحبان اینها خاتمه مییابد و تنها دو قصیده به شکایت، دو قصیده به تقاضا، یک قصیده به مرثیه، یک قصیده به مناجات، یک قصیده به عذر از مخدوم و یک قصیده به مذمت شعر و شاعری و یک قصیده به وطنیه و یک قصیده به شکر مجلس اختصاص دارد.

ج-۱-۱- ستایش (= مدیحه): در مدح سلطان سنجر گفته است:

ملک اکنون شرف و مرتبه و نام گرفت	که جهان زیرنگین ملک آرام گرفت
خسرو اعظم دارای عجم وارث عجم	که ازو رسم عجم و ملک عجم نام گرفت
سایه یزدان کز تابش خورشید سپهر	دامن بیعت او دامن هرکام گرفت
آن که در معرکه ها ملک به شمشیرستد	وان که بر منهن زمان راه به انعام گرفت
لمعه خنجرش از صبح ظفر شعله کشید	همه میدان فلک خنجر بهرام گرفت

(ق ۴۰، ب ۵-۱)

ج-۱-۲- وطنی (= وطنیه): از زبان اهل خراسان به خاقان سمرقند پسر خوانده سلطان سنجر مینویسد:

به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر	نامه اهل خراسان به برخاقان بر
نامه ای مطلع آن رنج تن و آفت جان	نامه ای مقطع آن درد دل و سوز جگر
نامه ای بر رشمش آه عزیزان پیدا	نامه ای در شکنش خون شهیدان مضم
نقش تحریرش از سینه مظلومان خشک	سطر عنوانش از دیده محرومان تر

(ق ۸۲، ب ۴-۱)

ج-۱-۳- سوگنامه (= رثائیه): در مرگ مجدالدین ابی طالب بن نعمه قصیده ای سروده است:

شهر پرفتنه و پرمشغله و پرغوغاست	سید و صدر جهان بار ندادست کجاست
دیرشد دیرکه خورشید فلک روی نمود	چیست امروز که خورشید زمین ناپیداست
بارگاهش ز بزرگان وز اعیان پرشد	او نه بر عادت خود روی نهان کرده چراست
دوش گفتند که رنجور ترک بود آری	بار ندادنش امروز بر آن قول گواست

(ق ۱۹، ب ۴-۱)

ج-۱-۴- شکایت نامه (= شکوائیه): در نفی هجو قبه الاسلام بلخ گفته است:

ای مسلمانان فغان از دور چرخ چنبری	وز نفاق تیر و قصد ماه و سیرمشری
کارآب نافع اندر مشرب من آتشی است	شغل خاک ساکن اندر سکنه من صصری
آسمان در کشتی عمرم کند دایم دوکار	وقت شادی بادبانی گاه انده لنگری
گریخندم وان به هر عمریست گوید زهرخند	وریگریم وان همه روزیست گوید خون‌گری

(ق ۱۹۰، ب ۴-۱)

ج-۱-۵- تقاضا (= ملتسمات) : در قصیده‌ای از مخدوم خویش، تقاضای تشریف کرده است:

ای خداوندی که هر که از طاعتت سربرکشد	روزگارش خط خذلان تا ابد بر سرکشد
گرسوم قهر تو بر موج دریا بگذرد	جاودان از قعر دریا باد خاکستر کشد
صاحباً گر بنده را تشریف خاصت آرزوست	تا بدان دامن ز جیب آسمان برترکشد
کیست آخر کو نخواهد کز پی تشریف تو	ذیل تاریخ شرف در عرصه محشرکشد

(ق ۶۱، ب ۴-۱)

ج-۱-۶- نامه دوستانه (= اخوانیه): فخرالدین خالد قطعه‌ای با مطلع زیر به انوری نوشته است:

سلام علیک انوری کیف حالک
مرا حال بی تو نه نیک است باری
انوری در جواب دوست خود، فخرالدین قصیده ذیل را گفته:

و علیک السلام فخرالدین	افتخار زمان و فخر زمین
ای نهفته مخدرات سخت	چهره از ناقده گمان و یقین
ای تلف کرده منفقان سخت	درهم آورده شه‌هور و سنین
سخره داغ و طوق عرق شماسست	سخن از گردن و سخا ز سرین

(ق ۱۴۹، ب ۴-۱)

ج-۱-۷- ستایش خدا (تحمیدیه):

مقدری نه به آلت به قدرت مطلق	کند ز شکل بخاری چو گنبد ازرق
نه خشت و رشته معمار را درو بازار	نه چوب و تیشه نجار را درو رونق
به حکمتی که خلل اندرو نیابد راه	ز مهر و ماه گشاده در آن مکان بیرق
حصاربرشده بی آب و گل و لیک به صنع	به گرد او زده از بحر بی کران خندق

(ق ۱۰۷، ب ۴-۱)

ج-۱-۸- وصف: قصایدی است که در وصف کاخ، عمارت، بناء و ... آمده است. در وصف کوشک

صدرسعید ابوالحسن عمرانی گوید:

حَبِّدَا كَارِنَامَةُ ارْتَنَگ
صَحْنَتِ از صَحْنِ خَلْدِ دَارْدَعَار
داده رَنَگ را قَضَا تَرَكِيبِ
صَوْرَتِ قَنْدَهَارِ پِيشِ تَوُزَشْتِ
ای بهار از تو رشک برده به رَنَگ
سَقْفَتِ از سَقْفِ چَرخِ دَارْدِ نَنَگ
کَرْدِه نَقْشِ را قَدْرِ بِي رَنَگ
عَرَصَةُ رُوْزگارِ نَزْدِ تَوُ تَنَگ
(ق ۱۱۰، ب ۴-۱)

ج-۱-۹- مذمت شعر و شاعری: او در مذمت شعر و شاعری و فضیلت علم و حکمت قصیده‌ای سروده است:

ای برادر بشنوی رمزی ز شعر و شاعری
دان که از کُناسِ ناکسِ در ممالک چاره نیست
زانکه گر حاجت فتد تا فضله‌ای را کم کنی
کار خالده جز به جعفر کی شود هرگز تمام
تا زما مشتی گدا کس را به مردم نشمیری
حاشا لله تا نداری این سخن را سرسری
ناقلی باید تو نتوانی که خود بیرون بری
زان یکی جولاهگی دانند دگر برزیگری
(ق ۱۸۴، ب ۴-۱)

ج-۱-۱۰- در شکر مجلس ممدوح:

ای بارگاه صاحب عادل خود این منم
تا دامن بساط ترا بوسه داده‌ام
تا پای بر مساکن صحنه نهاده‌ام
با برکة تو رأی نباشد به کوثرم
کز قربت تو لاف زمین بوس میزنم
بر جیب چرخ میسپرد پای دامنم
پیوسته با تجلی طورست مسکنم
با روضه تو یاد نیاید ز گلشنم
(ق ۱۳۴، ب ۴-۱)

ج-۱-۱۱- در عذر از مخدوم:

ای ترا کرده خداوند خدای متعال
حق آن را که زبردست جهانی کردت
به کرم یک سخن بنده تأمل فرمای
هفته‌ای هست که دردست تجنی است اسیر
آخر از بهر خدا این چه خیال است و گمان
داده جان و خترد و جاه و جوانی و جمال
که مرا بیهده بتی جرمی در پای ممال
پس براندیش و فرو بین و بدان صورت حال
به حدیثی که چو موی کف دست است محال
و آخر از بهر خدا این چه جواب است و سؤال
(ق ۱۱۲، ب ۵-۱)

ج-۲- کاربرد اصطلاحات علمی و اشاره به جزئیات آنها

اصطلاحات علمی بکار رفته در قصاید انوری در مجموع ۴۷۳ مورد است که به ترتیب بسامد عبارتند از:

الف) موسیقی (ب) نجوم (ج) طب (د) علوم عقلی (ه) علوم ادبی (و) علوم نقلی

جدول شماره ۳ - بسامد اصطلاحات علمی درقصاید

علوم	تعداد	درصد
موسیقی	۱۸۶	۳۹/۳۲
نجوم	۱۰۳	۲۱/۷۸
طب	۷۷	۱۶/۲۸
علوم عقلی	۶۳	۱۳/۳۲
علوم ادبی	۲۳	۴/۸۶
علوم نقلی	۲۱	۴/۴۴

۱- اصطلاحات موسیقی

- ور زهره جز به بزم تو خنیاگری کند
جاوید دف دریده و بربط شکسته باد
(ق ۵۲، ب ۱۲)
- چون زخمه گذارند شستها
آید و تـرخ درطنین
(ق ۱۴۶، ب ۳۴)

۲- اصطلاحات نجومی

- دراثر بهر مراعات ولیش
خارعقرب چو گل میزان است
(ق ۳۴، ب ۲۷)
- بزرگوارا گفتم چو مشتری به رجوع
ز اوج اول میزان شود به خانه تیر
(ق ۹۸، ب ۳۰)

۳- اصطلاحات طبی

- مردمک چشم جور آبله دارد
تا که بر ابروی احتیاط تو چین است
(ق ۳۶، ب ۳۱)
- درخشم تو عودهای رحمت
بازخم تو سفت‌های مرهم
(ق ۱۳۲، ب ۱۷)

۴- اصطلاحات علوم عقلی (فلسفه، منطق، حساب و هندسه)

- کنی از تقویت لطف عرض را جوهر
کنی از تربیت قهر شفا را بیمار
(ق ۶۸، ب ۴۲)
- حساب عمر حسود تو را اگر به مثل
زمانه ضرب کند باد همچو ضرب کسور
(ق ۸۹، ب ۲۵)

۵- اصطلاحات علوم ادبی

این شعر بر آن وزن و قوافی و ردیف است	کامروز نشاطی است فره فضل و کرم را (ق ۳، ب ۳۷)
وی ز شعر من و شعار تو فاش	سهل ناممتنع چو سحر مبین (ق ۱۴۹، ب ۲۵)

۶- اصطلاحات علوم نقلی

به صلوه و صیام و حج و جهاد	که اصل اسلام از این چهار در است (ق ۲۷، ب ۳۶)
گرنه نهی کردستی ز اسراف	خدای و نهی او نهی است منکر (ق ۸۷، ب ۴۳)

نتیجه:

از بررسی سبکی قصاید انوری میتوان به این نتیجه رسید:
انوری در قصاید خود از نه بحر عروضی استفاده کرده است. بیشترین بسامد اوزان با شصت و یک مورد متعلق به بحرمل و کمترین آن با یک مورد مربوط به بحر سریع است. اوزان مورد استفاده وی اغلب اوزان جویباری است. حدود شصت و دو درصد اشعار او را اوزان بلند تشکیل داده است. انوری در قصاید دیوان خود، بیشتر از قافیه‌هایی بهره جسته است که دارای مصوت بلندند. از مجموع دویست و پنج قصیده، صد و سی و سه قصیده بدون ردیف و هفتاد و دو قصیده دارای ردیف هستند. از ویژگی‌های بارز زبان او، میتوان به تخفیف کلمات، تکرار و موازنه اشاره کرد. تکرار واژه، مصرع و بیت در شعر وی آنقدر فراوان است که آن را از ویژگی‌های برجسته شعر او میتوان شمرد. توجه وافر وی به کاربرد اسم و حرف در اشعار او نمایان است. و واژه‌های ساده از نظر ساخت، کارکردی به مراتب بیشتر از دیگر ساختها دارند. انوری اغلب از لغات و ترکیبات عربی رایج و پرکاربرد زبان فارسی استفاده کرده است. کاربرد اعداد و استفاده از آنها در ترکیب سازی، کاربرد «اندر» به جای «در»، آغاز ابیات با حروف اضافه از دیگر ویژگی‌های آشکار قصاید وی محسوب میشوند که دارای بسامد بالایی هستند. در سطح ادبی در مقوله بیان، برجسته‌ترین صورخیال در قصاید وی، تشبیه است که او در این شکل خیالی از همان تصاویر شاعران قرن چهارم و پنجم بهره جسته است. از میان اقسام تشبیه، تشبیهات حسی به حسی در اشعار وی دارای بسامد بالایی است که بیانگر دیدگاه حسی و طبیعت‌گرایی اوست و از نظر افراد و ترکیب طرفین، تشبیهات مفرد به مفرد بیشتر از انواع دیگر آن است که نشانه ایجاز، نوآوری و همچنین زبان فاخر شاعر است. دراستعاره، تشخیص، درکنایه، کنایه مصدر یا فعل، درمجاز، مجاز به علاقه لازمی بالاترین درصدهای کاربرد را به خود اختصاص

داده‌اند. آرایه‌های ادبی پربسامد در قصاید انوری عبارتند از: اغراق، مراعات نظیر، تضاد، موازنه، جناس، تلمیح، حسن تعلیل، ردالعجز علی الصدر و ارسال المثل. اشعار انوری موضوعات متعددی از قبیل مدح و ستایش بزرگان، شکایت، تقاضا، مرثیه، مناجات، مذمت شعر و شاعری و ... را دربرگرفته است. موضوع بیش از نود و دو درصد این قصاید مدیحه است که عمده‌ترین شگرد شاعر خراسانی در مدیحه‌سرایی بکارگیری اصطلاحات علمی برای مضمون-سازی و معنی‌آفرینی است. از میان اصطلاحات علمی بکار رفته، اصطلاحات علم موسیقی با ۳۹/۳۲ درصد بیشترین کاربرد را در قصاید وی داراست.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۴، قم: انتشارات الهدی.
۲. بررسی مختصات دستگاه زبانی قصیده‌ای از انوری و استقبال نظیری از آن، رضایی، احمد، فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۲، سال پنجم، شماره چهاردهم، صص ۳۳-۶۶.
۳. برگهایی در آغوش باد، یوسفی، غلامحسین، ۱۳۷۲، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.
۴. پیوند موسیقی و شعر، ملاح، حسینعلی، ۱۳۸۵، چاپ اول، تهران: نشر فضا.
۵. تأثیر فرهنگ عرب در اشعار منوچهری دامغانی، الکک، ویکتور، ۱۹۸۶م، بیروت: دارالمشرق.
۶. تاریخ ادبیات فارسی، اته، هرمان، ترجمه رضازاده شفق، ۱۳۳۷، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۷. حدائق السحرفی دقائق الشعر، وطواط، رشیدالدین، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، ۱۳۶۲، تهران: کتابخانه سنایی و طهوری.
۸. دیوان، انوری، علی بن محمد، بکوشش محمدتقی مدرس رضوی، ۱۳۷۶، ۲ جلد، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. سفر در مه، پورنامداریان، تقی، ۱۳۸۱، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه.
۱۰. فیض القدیر، المناوی، عبدالرؤوف، ۱۹۳۸م، جلد ۲، قاهره: مکتبه مصطفی احمد.
۱۱. مجالس المؤمنین، شوشتری، سید قاضی نورالله، ۱۳۷۶ق، جلد ۲، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۱۲. مفلس کیمیا فروش، شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۹، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سخن.